فهرست مطالب

[مقدمه 2](#_Toc416606726)

[نظریه ‌آیات محوری 2](#_Toc416606727)

[شیوه‌ها و متدهای تفسیری 2](#_Toc416606728)

[تفسیر ترتیبی 2](#_Toc416606729)

[تفسیر موضوعی به معنای متعارف 3](#_Toc416606730)

[تفسیر موضوعی بالمعنی الذی أکد علیه شهید الصدر 3](#_Toc416606731)

[دو کارکرد متفاوت فقه 3](#_Toc416606732)

[کارد کرد اول: اجتهاد ترکیبی 3](#_Toc416606733)

[کارد کرد دوم: بررسی و عرضه موضوعات نوین بر ادله فقهی 4](#_Toc416606734)

[اقسام و طبقه‌بندی‌های مختلف روی کرد اول 4](#_Toc416606735)

[تطبیق کارکرد دوم فقه بر مباحث تفسیری توسط شهید صدر 5](#_Toc416606736)

[تعمیم دو کارکرد فقه در مسائل توصیفی 5](#_Toc416606737)

[تبیین کارکرد اول در مسائل توصیفی 6](#_Toc416606738)

[تبیین کارکرد دوم در مسائل توصیفی 6](#_Toc416606739)

[تعمیم دو کارکرد فقه به مباحث تفسیری 7](#_Toc416606740)

بسم الله الرحمن الرحيم

# مقدمه

در طی جلسات متعدد، دوازده آیه در باب تکالیف تربیتی و تعلیمی خانواده از منظر فقهی مطرح و بررسی شد البته گرچه بحث، در تکالیف آموزشی خانواده می‌باشد اما در حقیقت این تفکیک بین مسائل تربیتی و تعلیمی در مباحث گذشته ملموس نبود و علت آن‌هم جامعیت و گستردگی این ادله نسبت به هر دو بحث بود. به نظر ما اگر با همین شیوه و مدل، آیات الاحکام بررسی شود نکات و مطالب بیشتری می‌توان از این آیات استفاده کرد.

# نظریه ‌آیات محوری

در اواخر جلسه قبل نکته‌ای در ذیل این آیات مطرح شد مبنی بر این‌که بسیاری از آیات قرآن منظومه و مجموعه‌ای در حول یک موضوع می‌باشند که در بین این مجموعه و منظومه یکی از آیات محور بحث می‌باشد و دیگر آیات به محوریت آن آیه به بیان جنبه‌ها و زوایای مختلف آن موضوع و محور می‌پردازند. به نظر ما این مطلب را می‌توان به‌عنوان نظریه‌ایات محوری مطرح کرد و شواهد و قرائنی هم بر این مطلب وجود دارد و نمونه‌های فراوانی هم می‌توان برای آن ذکر کرد. این نظریه تفسیری در بحث تفسیر موضوعی به همان مفهوم متعارف آن نه معنایی که شهید صدر برای تفسیر موضوعی بیان کرده است، مطرح می‌باشد.

# شیوه‌ها و متدهای تفسیری

در حقیقت تفسیر را می‌توان به اقسامی تقسیم کرد.

## تفسیر ترتیبی

تفسیر ترتیبی، تفسیر آیات قرآن به ترتیب آیه به آیه می‌باشد که البته این قسم هم دارای اقسامی می‌باشد که در اینجا به آن‌ها اشاره نمی‌کنیم.

## تفسیر موضوعی به معنای متعارف

یکی از شیوه‌های تفسیری، تفسیر موضوعی به معنای متعارف آن نه موضوعی بالمعنی الذی أکد علیه شهید الصدر می‌باشد. در این شیوه تفسیری همه آیاتی که را به موضوعاتی مانند حسادت، دروغ، کبر، توحید، نبوت و یا موضوعاتی دیگر مرتبط می‌باشد، را جمع می‌کنند و آنان را در کنار یکدیگر قرار می‌دهند و به مباحث آن نظامی می‌دهند. شهید صدر از این شیوه تفسیری به‌عنوان شیوه تفسیر ترکیبی تعبیر می‌کنند.

## تفسیر موضوعی بالمعنی الذی أکد علیه شهید الصدر

شیوه و متد دیگری در مباحث تفسیری وجود دارد که شهید صدر از آن به تفسیر موضوعی تعبیر می‌کند بدین‌صورت که مفاهیم، تئوری‌ها و موضوعات نوین و نوپدید که واژه‌ها و تعابیر آن‌ها در قرآن نیست مانند مباحث جدیدی که در روانشناسی، تاریخ، جامع شناسی اقتصاد و بانکداری و دیگر مفاهیم نوین تولیدشده در تمدن بشری، بر قرآن و متون دینی عرضه شود و از آن‌ها استنطاق شود.

# دو کارکرد متفاوت فقه

این متد و شیوه‌ای که شهید صدر در تفسیر ذکر کرده‌اند در متد اجتهادی شیعه، بحث جدیدی نیست و نظایر آن در فقه وجود دارد و درواقع فقه دو نوع کارکرد دارد.

## کارد کرد اول: اجتهاد ترکیبی

یکی از کارکردهای فقه همان اجتهاد ترکیبی فقه می‌باشد مانند مباحثی مانند وضو، خیار غبن، غش یا تدلیس که با همین عناوین و مفاهیم در منابع ذکرشده‌اند و روایاتی در مورد آن‌ها و در همین ابواب واردشده‌اند منتهی این روایات باید در کنار هم قرار بگیرند و انتظام پیدا کنند و مجموعه‌ای تشکیل شود و تحلیل و بررسی شوند و معارضات احتمالی آن‌ها معالجه شود و حاصل آن حکم فقهی می‌باشد، این کارکرد، یک نوع کارکرد فقه است که تجمیع ادله از منابع روایی و کتابی و احیاناً عقل و نظم دادن به آن‌ها و فهم تحلیل و انتظام و معالجه معارضات آن‌ها و نتیجه و خروجی این عملیات و فرایند فقهی و عملیات فقیه، یک حکم یا یک نظام فقهی است. این کارکرد فقه درواقع اجتهاد ترکیبی در موضوعات مطروحه در منابع و جمع‌آوری و بررسی ادله آن‌ها می‌باشد و به عبارتی کارکرد اول حرکة من المصادر الی النتایج و الی الموضوعات و الموضوع متخذ من نفس المصدر و مطروح بجمیع جوانبه فی المصادر و الاخبار و الاحادیث. این کارکرد غالباً در عبادیات و توقیفیات جاری می‌باشد البته در غیر این موارد هم وجود دارد و مصادیق زیادی دارد.

## کارد کرد دوم: بررسی و عرضه موضوعات نوین بر ادله فقهی

دومین کارکرد فقه که در طول زمان هم وجود داشته است این است که به خلاف کارد اول، عناوین، موضوعات و مفاهیم موردبحث را از ادله نمی‌گیریم بلکه حرکت معکوس است یعنی در سیر تحولات زندگی و تمدن بشری موضوعات، عناوین و مفاهیم جدیدی مطرح می‌شود که واژه و لفظ آن‌ها در متون دینی نیست مانند بحث تغییرات آب و هوایی یا محیط‌زیست که اگر این موضوعات و عناوین به‌درستی بر متون دینی عرضه شود چه‌بسا ادله متعدد و زیادی با آن‌ها ارتباط داشته باشد که حتی لفظ و واژه این عناوین و عبارات در این ادله وجود نداشته باشد البته این عرضه باید در چارچوب ظواهر و طبق قواعد باشد. در فقه قواعد عامه فقهی وجود دارد که می‌توان بسیاری از مسائل و موضوعات نوین فقهی را بر آن‌ها عرضه کرد و بر پایه آن‌ها و در چارچوب ظواهر، اصول و قواعد حکم آن‌ها را به دست آورد. این روی کرد و کارد کرد دوم تأثیر مهمی در طبقه‌بندی فقه و هم در عرضه مسائل و موضوعات جدید و هم در استنطاق از خود آیات و روایات دارد. این روی کرد و کارد بیشتر در غیر عبادات رواج دارد البته این روی کرد گاهی نیز عبادات هم وجود دارد. این رویکرد و کارکرد همان حوادث واقعه و موضوعات جدید می‌باشد که اگر شخصی مجتهد نباشد گمان می‌کند، احکامی که در مورد این حوادث واقعه و موضوعات نوین مطرح می‌شود چیزی است که در متون دینی وجود ندارد اما شخص مجتهد حکم آن‌ها را از متون و ادله فقهی استخراج می‌کند و اگر در مواردی در متون و ادله و قواعد دلیلی بر آن‌ها پیدا نکرد به اصول عملیه و عامه مراجعه می‌کند.

## اقسام و طبقه‌بندی‌های مختلف روی کرد اول

در کارکرد و روی کرد اول فقه (که موضوعات و مسائل مطروحه با همان عناوین در مصادر اولیه اعم از آیات و روایات وجود دارد که غالباً در عبادات این‌گونه است یعنی هم موضوع و هم محمول و حکم همه از خود منابع گرفته‌شده است و تنها ادله آن تجمیع و بررسی‌شده است) در مقام ارائه و بیان نتایج آن و عرضه آن، طبقه‌بندی و اقسام متفاوتی وجود دارد، گاهی با همان تعابیر، واژه‌ها و الفاظی که در روایات آمده است بیان می‌شود که به آن الفقه المأثور می‌گویند مانند کتاب مرحوم آقای مشکینی کتب مرحوم صدوق که در مقام بیان فتوای، عین الفاظ روایات را آورده‌اند و یا آنچه در تبویب و باب بندی کتاب وسائل الشیعه وجود دارد که تیتر ابواب نیز الفاظ روایات است. گاهی نیز در مقام بیان و ارائه، عبارات تفنن پیداکرده و به شیوه‌های جدید و طبقه‌بندی‌های جدیدی مطرح می‌شود ولی و روح فقه در آن نو نیست بلکه همانی است که موضوعا و محمولا در منابع وجود دارد و تنها ادله آن تجمیع و بررسی‌شده است مانند کتب شیخ طوسی که احکام را به شیوه‌ای جدید و نو بیان کردند و یا کتاب الفتاوی الواضحة شهید صدر و یا رساله‌های امروزی که بعد از انقلاب اسلامی در این زمینه و انواع متدهای بیان احکام فعالیت‌های زیادی صورت گرفته است.

# تطبیق کارکرد دوم فقه بر مباحث تفسیری توسط شهید صدر

کاری که شهید صدر در اینجا انجام داده‌اند و نظریه‌ای که مطرح کرده‌اند این است که دوکارکردی را که در فقه بوده است بر تفسیر تطبیق داده است و حاصل نظر ایشان این است که همین دو رویکرد و روش و مواجهه، در تفسیر قرآن وجود دارد و در مباحث تفسیری به کار می‌رود و همچنین اینکه اختصاص به احکام فرعی و فقهی ندارد بلکه در مباحث نظری هم وجود دارد (البته این مطلب به این شیوه در کلام ایشان نیست ولی از کلام ایشان برداشت می‌شود)

# تعمیم دو کارکرد فقه در مسائل توصیفی

بیان شد که دو روش و کارکرد و متد در فقه وجود دارد یکی مبتنی بر اخذ موضوع و محمول از متون دینی و ادله می‌باشد و کار فقیه و مجتهد تجمیع ادله و تفسیر و تحلیل و رفع و علاج تعارضات احتمالی آن‌ها است و کارکرد دوم عرضه موضوعات نوین و نو پیدا بر متون و ادله و استنطاق از آن‌ها بنا بر اینکه بپذیریم لکل واقعة حکم یعنی هر واقعه و موضوعی دارای حکمی در شرع می‌باشد مانند بیمه و بانکداری که از موضوعات نوین می‌باشد و سیر تحول زندگی بشری مقتضی آن بوده است و بااینکه تعبیر و الفاظ این موضوعات در متون دینی بحثی از آن وجود ندارد اما می‌توان حکم آن‌ها از ادله و متون دینی به دست آورد. آنچه ما بر آن تأکید می‌کنیم این است که این دو روش و متدولوژی و روی کرد را در مسائل توصیفی هم می‌توان اجرا کرد.

## تبیین کارکرد اول در مسائل توصیفی

کارکرد اول فقه که ازنظر اثباتی و ارائه بر دو نوع بود، در مسائل توصیفی هم وجود دارد. وقتی به قرآن و روایات مراجعه می‌شود به یک سری از قواعد روان‌شناسانه و توصیفگر کارکردهای نفسانی انسان مانند آیه **«كَلاَّ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَى أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَى»** ***العلق‏ / 7-6*** که یک قانون روان‌شناختی می‌باشد و یا به یک سری از قوانین و مسائل در حوزه مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و همچنین در مورد مسائل اعتقادی مانند بحث نبوت و توحید برخورد می‌کنیم که موضوعا و محمولا در متون وجود دارد و کار مجتهد و متکلم در معارف به معنای خاص و عام آن، در این عرصه همان روی کرد و متد اول در فقه یعنی تجمیع و تحلیل و بررسی آن ادله و استخراج این توصیفیات نه احکام از متون و ادله فقهی می‌باشد. البته این نوع کارکرد نیاز به شیوه‌ای خاص دارد که برخی از اصول این شیوه با اصول موجود مشترک و برخی نیز تفاوت‌هایی دارد که باید تفصیل در موردتحقیق و بحث شود.

## تبیین کارکرد دوم در مسائل توصیفی

تطبیق کارکرد دوم فقه یعنی عرضه موضوعات و مسائل نوین بر متون و ادله و استنطاق از آن‌ها در توصیفیات هم جاری است که در این نوع کارکرد مباحث زیادی در حوزه علم و دین، علوم طبیعی و علوم انسانی مطرح می‌باشد. شهید صدر و برخی دیگر از بزرگان این کارکرد و متد را در برخی سنت‌های اجتماعی بکار برده‌اند. در حوزه‌های علوم انسانی نیز کم‌وبیش طبق این متد و روی کرد، کارهایی صورت گرفته است که البته نیاز به بحث‌های خیلی عمیق، اجتهادی و روشمند دارد. به‌طور مثال در این روش این‌گونه بحث می‌کنیم که مثلاً فروید نظریاتی را مطرح کرده است که باید این نظریات و آراء با متون دینی تطبیق داده شود تا صحت آن‌ها تائید یا رد شود البته در این کارکرد و متد باید احتیاط کرد و مباحث را به‌طور روشمند و صحیح پیش برد و درنهایت متون و ادله دینی، این نظریات و آرا مانند مکتب پایا گرایی را یا تائید می‌کنند و یا رد می‌کنند و یا اینکه درباره آن‌ها ساکت می‌باشد ولی درهرصورت نباید درباره آن‌ها پیش‌داوری کرد.

# تعمیم دو کارکرد فقه به مباحث تفسیری

دو کارکرد و متد اجتهاد در فقه، در مباحث تفسیری هم وجود دارد و این دو نوع کارکرد در تفسیر قرآن کریم حال چه در احکام و چه در توصیفیات هم وجود دارد که گاهی موضوعی از خود قرآن کریم اخذ می‌شود و حکم آن بیان می‌شود و گاهی نیز موضوعات نوین و جدید به قرآن عرضه می‌شود و حکم آن از قرآن استنطاق می‌شود البته این مطلب نکته‌ای جدا از مباحث گذشته نیست اما به خاطر اینکه قرآن متنی غنی‌تر از روایات دارد جداگانه مطرح کردیم. موضوع یابی در قرآن چهار مرحله دارد، گاهی یک آیه بررسی می‌شود، گاهی یک آیه در سیر ترتیب نزولی آن بررسی می‌شود، گاهی بحث تفسیری در سیر ترتیب تنظیمی قرآن صورت می‌گیرد و به ترتیب آیات موردبحث قرار می‌گیرند و گاهی نیز به‌صورت ترکیبی بحث تفسیری صورت می‌گیرد یعنی همه آیات و واژه مرتبط با موضوعی موردبررسی قرار می‌گیرد که این قسم و وجه، صورت متکامل و اجتهادی در تفسیر قرآن می‌باشد که تفسیر آیه به آیه که مرحوم علامه طباطبایی به این شیوه بحث کرده‌اند یکی از قواعد اجتهاد ترکیبی تفسیری می‌باشد و شیوه صحیح و درست هم این شیوه تفسیر ترکیبی می‌باشد.

این متد و کارکرد دوم در مباحث تفسیری که عرضه موضوعات نوین و جدید بر قرآن و استنطاق از آن‌، که هم در تجویزیات و احکام جاری است و هم در مباحث توصیفی، کارنویی است که ریشه در سنت اجتهادی شیعه دارد.